



امام خمینی، سیاسی‌ترین رهبر معنوی جهان

رهبری در همه فرآیندها، سازماندهی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و جریان‌های اجتماعی در کنار عواملی چون زمینه‌ها، شرایط اجتماعی و باورهای مردم، نقش اصلی را در به بار نشستن اهداف و آرمان‌های جامعه دارد.

جام جم آنلاین: رهبری در همه فرآیندها، سازماندهی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و جریان‌های اجتماعی در کنار عواملی چون زمینه‌ها، شرایط اجتماعی و باورهای مردم، نقش اصلی را در به بار نشستن اهداف و آرمان‌های جامعه دارد. از این رو یکی از عوامل مهم و اساسی در شکل‌گیری جریان‌ها و تحقق خواسته‌های اجتماعی، برخورداری از مدیر و رهبر به عنوان هدایت‌دهنده مسیر و جریان حرکت است که در همه اندیشه‌های مختلف در فرهنگ علوم سیاسی و اجتماعی مطرح است.

از این منظر، نقش حساس رهبری در شکل‌گیری نهضت اسلامی در دوران طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی و سرنوشتی رژیم کهنه و فرسوده شاهنشاهی در کشور و جایگزین شدن آن با نظام اجتماعی جدید بر پایه مردم‌سالاری دینی و احیای دوباره اسلام در سطح جهان، موضوعی است که بر هیچ‌کس پوشیده نبوده و به نظر همه کارشناسان اجتماعی و سیاسی، با توجه به دیگر اضلاع شکل‌گیری خیزش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی از جایگاه و اهمیت ویژه و قابل توجهی برخوردار است. در واقع انقلاب اسلامی ایران که با رهبری بی‌نظیر امام خمینی به وقوع پیوست، یک انقلاب واقعی و تمام‌عیار به شمار می‌رود، چون همه عناصر لازم و ضروری در تعریف و ماهیت انقلاب‌ها، در انقلاب اسلامی ایران وجود دارند و آنچه در این بحث بیش از پیش حائز اهمیت است، نقش رهبری در پیروزی انقلاب اسلامی است. چراکه خیزش‌ها و جنبش‌های دیگری در تاریخ معاصر ایران نیز شکل گرفته که به دلیل عدم برخورداری از رهبری کارآمد، توانمند و... به نتیجه نرسید.

بر همین اساس در واکاوی شخصیتی حضرت امام(ره) به عنوان رهبری انقلاب اسلامی در هدایت خیزش مردمی و رسیدن به پیروزی، به این مساله می‌توان اشاره کرد که ایشان رهبری مدبر، شجاع، متفکر، آگاه به زمان و مسائل جهانی که با بهره‌مندی از شیوه‌های نوین و بدیع، بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را هدایت کرد. ایشان در دوران انقلاب به عنوان چهره‌ای تاریخ‌ساز و پدیده‌ای استثنایی و کاریزماتیک جلوه کرد و به قول «یودو اشتاین باخ« مدیر موسسه شرق‌شناسی آلمان: «امام خمینی سیاسی‌ترین رهبر معنوی جهان، با شخصیتی جذاب و کاریزماتیک است و تمام آرمان‌های جمهوری اسلامی که بر مبنای آنها ساخته شده است، از افکار ایشان ریشه می‌گیرد.» شهید مطهری نیز در کتاب انقلاب اسلامی درباره این شخصیت مذهبی - سیاسی می‌گوید: «من در وجود امام خمینی 3 آمن دیدم که بر ایمان من افزوده شد: «آمن به‌دفعه»، یعنی اگر همه دنیا هم جمع شوند، نمی‌توانند وی را از هدفش منصرف سازند. «آمن بقیومیه»، یعنی ایمان داشتن به روحیه مردم و از همه مهم‌تر «آمن برپّه»، ایمان و توکل بر خدا». بر همین اساس امام خمینی(ره) به عنوان نظریه‌پرداز نهضت اسلامی و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی توانست نقش رهبری را به بهترین شکل ممکن در تاریخ ایران و حتی جهان ایفا کرد که پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه نقش موثر رهبری در هدایت خیزش مردمی و عبور از حوادث سخت و گوناگون در طول دوران شکل‌گیری، پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی بوده است.

اصولاً نقش رهبری از همان نخستین جرقه‌های پیدایش انقلاب اسلامی ایران در میان مردم به عنوان نقطه میثاقی برای وحدت و انسجام ملی شناخته شد و مردم در سایه پیروزی از ولایت فقیه به پیروزی‌های درخشانی دست یافتند. از این رو این‌چنین می‌توان گفت که: رهبری، مهم‌ترین علت حفظ انسجام در دوران انقلاب و عصر کنونی به شمار می‌رود. بر همین اساس در برهه کنونی، استکبار با شناخت از این پتانسیل عظیم، به عنوان رمز بقای انقلاب اسلامی، تمام توان خود را به کار گرفته تا به اصل ولایت فقیه و رهبری هجمه وارد کند، چراکه ضربات وارده بر پیکر زیاده‌خواهان داخلی و خارجی از سوی این جایگاه بوده و ناکامی دشمن در طرح هر توطئه‌ای بر علیه نظام اسلام از سوی رهبری انقلاب، با مدیریت بحران و شناخت عرصه و درک لحظه به وجود آمده است. از این رو دشمن براساس نظریات تحلیل‌گران خود ازجمله نظریه‌پرداز معروف «فوکویاما« به این نکته رسیده‌اند که «با وجود ولی فقیه، براندازی نظام جمهوری اسلامی ممکن نیست. در همین راستا نه‌تنها نقش رهبری از عوامل موثر در پیروزی نهضت قابل ارزیابی است بلکه نظام جمهوری اسلامی هم‌اکنون با اقتدار رهبری توانسته از مراحل بحرانی انقلاب عبور کرده و به مرحله تثبیت انقلاب برسد. در واقع ملت ایران اکنون با درایت و اقتدار رهبری به‌مرحله تثبیت انقلاب رسیده و گام در دهه چهارم انقلاب یعنی «عصر عدالت و پیشرفت« نهاده است و عظمت و عزتی که امام راحل برای بشریت در راستای تقویت ارزش‌های الهی و بازسازی تمدن الهی و انسانی با پیروزی انقلاب به وجود آورده با خط بطلان کشیدن بر افکار اومانستی و لیبرالیستی حاکم بر غرب به ارمغان آورده است.

نقش رهبری در مدیریت بحران

در واقع در برهه شکل‌گیری نهضت، نقش رهبری باعث رسیدن به اهداف و آرمان‌های نهضت، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود و در برهه‌ای دیگر، متناسب با مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی، دستاوردها و پیروزی‌های دیگری را نصیب ملت و انقلاب اسلامی

می کند.

نکته: در واقع انقلاب اسلامی ایران که با رهبری بی‌نظیر امام خمینی به وقوع پیوست یک انقلاب واقعی و تمام‌عیار به شمار می‌رود، چون همه عناصر لازم و ضروری در تعریف و ماهیت انقلاب‌ها، در انقلاب اسلامی ایران وجود دارند.

لذا نقش رهبری در مدیریت بحران‌های شکل گرفته از ابتدای انقلاب و گذر از فتنه‌های مختلف از جمله بحران 78 و فتنه 88 از مهم‌ترین مقولاتی است که نقش رهبری را در پیروزی، تکوین و تثبیت انقلاب اسلامی مشخص کرده و ناکامی و شکست دشمن در اجرای پازل راهبردی خویش، یعنی براندازی نظام اسلامی را به دنبال داشته و شکل‌گیری تهدیدات داخلی و خارجی بر علیه انقلاب اسلامی را روشن می‌سازد. چراکه در شرایط بروز بحران، هر اقدامی در جهت بازگرداندن جامعه به شرایط عادی تابع هیچ‌گونه طرح و برنامه از پیش تنظیم شده‌ای نیست، بلکه نیازمند مدیریت عقلانی و توانمندی است که علاوه بر کاهش تنش‌های به وجود آمده، صفوف جریان‌ات درگیر را مشخص کرده و صف خودی از ناخودی را مشخص سازد و آتش شکل گرفته از بحران را مهار کند. از این رو عمر 33 ساله از انقلاب اسلامی و عبور از فتنه‌ها و بحران‌های شکل گرفته به دست دشمنان داخلی و خارجی بیش از پیش نقش کارآمد رهبری و روشنگری ولایت فقیه را آشکار می‌سازد. چراکه تصمیم‌گیری در شرایط بحران از خطیرترین و دقیق‌ترین اقداماتی است که پیامدهای متناسب با خود را به وجود می‌آورد و اتخاذ آن اصلی‌ترین عنصر در مدیریت بحران است.

نقش رهبری به عنوان جایگاه ولایت فقیه

در واقع نقش رهبري به عنوان جایگاه ولایت فقیه، مسیر حرکت ملت را مشخص می‌کند و مردم ایران تابع ولایت هستند و هرگاه ببینند حزب یا گروهی، راهی غیر از راه ولایت می‌رود، سریع حساب خودشان را از آن حزب یا گروه جدا می‌کنند. در واقع نقش رهبري و ولایت فقیه موثرترین عامل در تولید بصیرت و مدیریت چالش‌ها و نابسامانی‌های اخیر به حساب می‌آید، به طوری که وجود جایگاه رهبري باعث خنثی‌شدن طرح‌های ایران‌ستیزانه از پیش طراحی شده کشورهای غربی در فتنه 88 شد و همچنین با شاخص‌گذاری در جریان حوادث و ایجاد بصیرت برای آحاد جامعه و خواص و نخبگان دو ضلع پشت پرده جریان و بحران که همان مدیریت خارجی و مدیریت اپوزیسیون به حساب می‌آمد، تبیین و آشکار ساخت. در همین راستا معظم له درخصوص نقش رهبري در نظام و رسیدن به پیروزی‌ها و دفع فتنه‌ها می‌فرماید: «#171؛ رهبري در جامعه اسلامی ایران گره‌گشاست. مشکلات لاعلاج دولت به دست رهبري حل می‌شود. هر جایی که تبلیغات دشمن کاری کند که مردم را به دولت‌ها بخواهد بدبین کند اینجا نقش رهبري است که حقیقت را برای مردم روشن و توطئه دشمن را برملا می‌کند. آنجا که می‌خواهند مردم را مایوس کنند رهبري است که به مردم امید می‌دهد. آنجا که یک توطئه سیاسی بین‌المللی را می‌خواهند برای ملت ایران به وجود بیاورند رهبري است که قدم جلو می‌گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کند. آنجا که می‌خواهند بین جناح‌های گوناگون مردم اختلاف ایجاد کنند رهبري است که می‌آید دست‌ها را در دست همدیگر می‌گذارد و مایه الفت می‌شود، مانع تفرقه می‌شود. آنجا که می‌خواهند مردم را از حضور پای صندوق‌ها مایوس کنند رهبري است که به مردم دلگرمی می‌دهد و می‌گوید وظیفه است. مردم اعتماد می‌کنند، وارد می‌شوند و حماسه عظیمی می‌آفرینند.» (1376/9/5)

نقش، رهبری، در دفع فتنه 88

لذا نقش رهبري در دفع غبارآلودي فضاي فتنه و خنثي‌سازي توطئه پيچيده دشمن و پيروي در برابر همه حمله‌هاي داخلي و خارجي سال گذشته در مديريت بحران و عبور از فتنه 88 از نمونه‌هاي بارز نقش موثر رهبري در پيروي، تكوين و تثبيت انقلاب است که با دقت و تامل در سير بيانات معظمله در سال گذشته روشنگري و هدايتگري معظمله در 2 بازه زماني قبل از انتخابات و بعد از انتخابات قابل بررسي و واکاوي است که به 2 شاخص مهم يعني «؛روشنگري و هشدار رهبري قبل از انتخابات» با رويکرد پيشگيرانه از بروز بحران و «؛هدايت و مديريت رهبري بعد از انتخابات» با رويکرد کنترل و مهار بحران، دعوت به قانون، شفاف‌سازي شرايط، ايجاد بصيرت، دفع غبارآلودي در فضاي فتنه و مرزبندي با دشمنان و شناخت حق از باطل مي‌توان اشاره کرد که با روشن‌بندي الهي معظمله توطئه پيچيده دشمن در فتنه 88 ناکام مي‌ماند. بر همين اساس نقش بسزا و تاثيرگذار ولي فقيه و رهبري در پيروي و حفظ ارکان نظام اسلامي، غيرقابل انکار بوده و شكي نيست که اين اصل در همان شعار مردمي «؛استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي» نمود يافته است. لذا دشمنان اسلام به خوبي به نقش و جاگاه والاي رهبري در پيروي‌هاي پي‌درپي در طول انقلاب و حفظ انسجام ملي از سوي اين جاگاه اساسي پي برده‌اند و اکنون تمام توطئه‌هاي خود را درجهت تخریب اين جاگاه به کار مي‌گيرند. از اين رو آنچه در شرايط کنوني حائز اهميت بوده و نیازمند تحليل، بررسي و قلمفرسايي است، توجه و دقت نظر در شناسايي هدفگيري‌هاي دشمن در جبهه جنگ نرم است که وقايع و حوادث اخير به خوبي نشان مي‌دهد همه تلاش و هياهوي آمريکا و غرب ضربه به اين رکن اساسي انقلاب اسلامي است، چراکه تمامي پيروي‌هاي تحقق يافته ملي و ناکامي دشمن در کشور از بدو پيروي انقلاب تاکنون از وجود جاگاه ولايت فقيه و نقش رهبري شکل گرفته است. از اين رو دور از انتظار نيست که غرب و غرب گرايان داخلي به علت همه سرخوردگي‌هاي خود، تمام نشانه‌ها و دغدغه‌هاي خود را در تضعيف و تخریب اين جاگاه متمرکز نمايند؛ چرا که اين مساله ادعا و تهديدپردازي خيالي نبوده بلکه واقعي است که ابعاد پيدا و پنهان فتنه سال گذشته حقايق را آشکار کرد که ادعاي تقلب در انتخابات دهم در نهايت منجر به ياره شدن تصوير امام(ره) و شعار بر عليه رهبري و ولايت فقيه ختم مي‌گردد که اين مساله حرکت برنامه‌ريزي

شده دشمن در نشانه‌رویی و شلیک به طرف این رکن اساسی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. لذا پس از درک حقیقت ولایت فقیه و نقش موثر رهبری در پیروزی، تکوین و تثبیت انقلاب اسلامی، تبیین و ترسیم ضرورت وجودی این جایگاه و حرکت در مسیر تحقق منویات ایشان از ضروریات اجتناب‌ناپذیری است که قافله رو به رشد و تعالی انقلاب را به سرمنزل مقصد و تشکیل تمدن عظیم اسلامی و رسیدن به مرجعیت علمی و فناوری ایران در جهان را به وجود خواهد آورد.